

این تنها اشکال او نیست؛ عملکرد وزیر خارجه ما در تراز جمهوری اسلامی نیست

انتقاد شدید از عدم تسلط امیرعبداللهیان به زبان انگلیسی

سخنرانی جناب امیرعبداللهیان در جلسه ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد نه اولین «گاف» رئیس دیپلماسی کشور و احتمالاً در صورت ادامه حضور حضرتشان در این منصب نه آخرین آن خواهد بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، هنوز ماجرای سخنرانی «عربی» ایشان در عراق از حافظه ملت پاک نشده که بار دیگر اصرار حضرت وزیر در ایراد نطق این بار به زبان «انگلیسی» دستمایه جدیدی برای طنزپردازان شد.

اگر وزیر خارجه به هر دلیلی زبان مجامع بین‌المللی را نداند بر او حرجی نیست. هرچند تسلط رئیس دستگاه دیپلماسی به یک یا چند زبان بین‌المللی امتیازی برای شخص وزیر است و البته اعتباری برای کشوری است که آن را نمایندگی می‌کند. مشکل زمانی است که وزیر امور خارجه به زبانی که تسلطی حتی نسبی بر آن ندارد در مجامع جهانی سخنرانی کند و موجب وهن خود و بی‌اعتباری کشور شود.

مضافاً اینکه وزرای خارجه و مقامات عالی‌رتبه بسیاری از کشورهای جهان با وجود تسلط یا آشنایی در سطح قابل‌قبول به یک زبان بین‌المللی ترجیح می‌دهند به زبان کشور خود سخن بگویند. مجامع بین‌المللی نیز این قاعده را پذیرفته‌اند و مترجمان هم‌زمان حرفه‌ای سخنان مقامات دیگر کشورها را به بیشتر زبان‌های زنده دنیا ترجمه می‌کنند.

ایشان دانش‌آموخته دوره چهارم دانشکده وزارت امور خارجه است؛ مرکزی آموزشی در سطح و استاندارد قابل‌قبول برای تربیت دیپلمات‌های موردنیاز دستگاه دیپلماسی کشور. خروجی این مرکز علمی و تخصصی حداقل در چند دوره اول دیپلمات‌های برجسته و صاحب‌نامی است که منشأ خدمات برجسته‌ای بوده و هستند. این فارغ‌التحصیلان حداقل به یک زبان (نوعاً انگلیسی) مسلط بوده و به زبان دوم (فرانسه، عربی، اسپانیولی) در حدی که بتوانند در یک محفل دیپلماتیک گلیم خود را از آب بیرون بکشند، آشنایی نسبی دارند؛ چراکه در دانشکده آموزش دو زبان خارجی (اولی اصلی و دیگری زبان دوم) اجباری است یا حداقل در آن دوره‌ها اجباری بود.

دکتر سیدعباس عراقچی تحصیل‌کرده و فارغ‌التحصیل همان مرکز آموزشی است. در زمان وزارت دکتر ظریف چند سال با امیرعبداللهیان در کسوت معاون و همکار وزیر کنونی بود. او کسی است که با تسلط بر زبان انگلیسی در کنار و هم‌دوش دکتر محمدجواد ظریف یکی پیچیده‌ترین مذاکرات تاریخ دیپلماسی چند دهه اخیر را با قدرت‌های بزرگ جهان موسوم به ۵+۱ اداره کرد.

در ماجرای اخیر که به‌شدت به اعتبار کشور لطمه وارد کرد، نمی‌توان فقط به جناب وزیر ایراد گرفت؛ مشکل در جای دیگری است که البته منحصر به جناب امیرعبداللهیان نیست.

نابسامانی و اشتباهات حکمرانی در مناصب داخلی کشور با وجود همه ایراد و انتقاد، کمتر با اعتبار کشور در ورای مرزها ارتباط دارد. باید دست‌اندرکاران انتخاب وزرای کلیدی مانند منصب تأثیرگذار دستگاه دیپلماسی به این سؤال پاسخ دهند که چه اتفاقی در عرصه بین‌المللی باید آنان را وادار کند که در انتخاب وزیر خارجه توجه خود را از پیوندهای داخلی، گفتمان‌های تصنعی هزینه‌ساز و روابط مریدی و مرادی برداشته و برای قواعد، معیارها و ضابطه‌های حداقلی برای این منصب که با اعتبار کشور پیوند دارد، ارزش و اعتبار قائل شوند.

کارنامه ناموفق جناب حسین امیرعبداللهیان در کسوت وزیر خارجه پیش‌روی همه دلسوزانی است که به اعتبار و جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی می‌اندیشند. آنان شاهد ازدست‌رفتن فرصت‌های غیرقابل‌برگشتی هستند که وزارت امور خارجه مسئولیت مستقیم در آن دارد.

قابطه دیپلمات‌های شایسته و کارکشته وزارت امور خارجه منتقد جدی افاضات غیرحرفه‌ای و هزینه‌ساز جناب وزیر در مدیریت دیپلماسی هستند و متأسفانه گوش شنوایی برای حرف‌های برحق خود پیدا نمی‌کنند. فارغ از اظهارنظرهای جناب وزیر در مواردی مانند آنچه درباره حجم تونل‌های غزه سخن می‌گویند، سطح وزیر خارجه کشور بزرگی مانند ایران را تا سطح سخنگویی حوثی‌ها تنازل می‌دهد و...

به نظر می‌رسد همین یک قلم سخنرانی در جلسه شورای امنیت که با واکنش‌های سخره‌آمیز در سطح داخل و خارج کشور موجب بی‌اعتباری کشور شد کافی است تا تدبیری شود و آبروی ایران عزیز وجه‌المصالحه جناح‌بندی‌های داخل کشور قرار نگیرد.